

FED



ENCYCLOPAEDIA OF IRAN AND ISLAM

Edited by

Ehsan Yarshater

Fascicle 7

Abū Bakr Ḥaṣṣrī - Abū Hurayra

Published by

The Royal Institute of Translation and Publication

Tehran 1978

ابوعکرمة - ابوعلی بلخی

اقتناع را در قراءات شاذ پرداخت. اورا کتب دیگرست چون [ایضاح فی القراءات] و [الفوائد و العوائد] و [قراءة الحسن البصری] و [کتاب البیان فی شرح عقود اهل الایمان] و [الموجز فی القراءات] و جز اینها. مراجع: اسماعیل پاشا بغدادی، [هدیه العارفین]، استانبول ۱۳۵۱ ق.، یکم، ۲۷۵.

(سید عبدالله انوار)

اندکی پس از سال ۹/۱۰۰-۷۱۸ آغاز شد. ابوعکرمة پیش از آن از هواخواهان ابوهاشم عبدالله بن محمد ابن حنفیه بود که تشکیلاتش قبلاً تا خراسان توسعه پیدا کرده بود. ابوعکرمة از جمله کسانی بود که گفته اند نامشان بعنوان اشخاص کاملاً قابل اعتماد پس از مرگ ابوهاشم به محمد بن علی داده شده است. محمد بن علی ابوعکرمة را از کوفه به نزد خود خواند و ابوعکرمة با وی بیعت کرد و وظیفه تبلیغ جنبش عباسیان در خراسان به او واگذار شد. ابوعکرمة بعد از رسیدن به خراسان دعوت عباسیان را بشدت آغاز کرد ولی به اقدامات وی بزودی بدگمان شدند و در حضور سعید بن عبدالعزیز حاکم خراسان از او بازجوئی شد. ابوعکرمة ادعا کرد که تاجر ساده‌ای بیش نیست. قبول کردند و رهائی یافت ولی عملیات خودش را بعد از ۲ سال تا هنگام بازگشت به شام ادامه داد.

ابوعلی بلخی، مؤلف شاهنامه. تنها مأخذ ما درباره این مرد [شاهنامه] او گفته بیرونی است در آثار الباقیه (۹۹ به بعد) که از او به نام ابوعلی محمد بن احمد بلخی شاعر و مؤلف شاهنامه یاد میکند. بر طبق روایت بیرونی ابوعلی در تألیف خود اخبار مربوط به مبدأ خلقت را از روی کتاب [سیر الملوک] ابن مقفع و کتاب محمد بن جهم برمکی و کتاب هشام بن قاسم و کتاب بهرام بن مردانشاه سوند شهر شاپور و کتاب بهرام بن مهران اصفهانی تصحیح و سپس با کتاب بهرام هروی مجوسی مقابله کرده بوده است. بیرونی سپس آغاز آفرینش را بدانگونه که ابوعلی روایت کرده بوده نقل میکند. بر طبق روایت ابوعلی گیومرث سه هزار سال در بهشت و سپس تا شروع تجاوز اهریمن سه هزار سال دیگر در زمین میگذراند. و او را «گرشاه» (در روایات دیگر «گل شاه» هم آمده. این اختلاف ناشی از وحدت حرف «ر» و «ل» در خط پهلوی است) یعنی «شاه کوه» مینامیده‌اند؛ خداوند گیومرث را چنان زیبا آفریده بود که چشم هر جنبنده‌ای که بدومی افتاد بیهوش میگشت. سپس پسر اهریمن به نام خرزوه قصد کشتن گیومرث میکند، ولی بدست او کشته میشود. اهریمن از گیومرث به خداوند شکایت میبرد و در این میان گیومرث نیز به مرگ خود راضی شده، خداوند او را میکشد و از پشت او دو قطره منی به زمین میچکد و از بطن خاک دو بوته ریاس بیروید که بعداً به میشی و میشیانه تبدیل میگردد... بیرونی در [آثار الباقیه] دو جا هم (۳۸ و ۱۱۶) از [شاهنامه] ابومصوری نام برده است. از ایترو یارون روزن (در باره ترجمه‌های غربی خداینامه) ۱۹۰ به بعد) از مقایسه گفته بیرونی در آنجا که از [شاهنامه] ابوعلی بلخی گفتگو میکند با جانی که صحبت از [شاهنامه] ابومصوری است چنین نتیجه گرفته است که منظور بیرونی در هر دو بار یک اثر واحد است و به عبارت دیگر

بعدها جهت ادامه دعوت عباسیان به خراسان مراجعت کرد. والی خراسان، در آن هنگام اسد بن عبدالله قسری بود که با شیباری از قصد ابوعکرمة و اقدامات او آگاهی یافت. ابوعکرمة را احضار کردند و به او فرمان دادند که ایالت خراسان را ترک کند. او چنین نکرد و لذا مجدداً به حضور والی آورده شد، و او پس از یادآوری فرمان قبلی امر به قتلش داد. از شرح طبری در مورد وقایع سال ۸/۱۰۹-۷۲۷ چنین برسیاید که اسد بن عبدالله بلی به محکومیت ابوعکرمة نداشته است.

مراجع: دیتوری، [الخبر الطوال]، چاپ Guirgass، ۷-۳۳۴؛ طبری، *Annales*، دوره دوم، جلد سوم، ۱۳۵۸، ۱۴۵۳، ۱۴۶۷، ۱-۳، ۱۵۰. «دارالمعارف»، ششم ۵۶۲، هفتم ۱۵، ۲۵، ۵۱-۴۹؛ بلتمی «ترجمه تاریخ طبری» بوسیله Zotenberg، چهارم، ۲۴۸؛ ناشناخته، [تاریخ الخلفاء] چاپ Gryaznevitch برگ ۲۴۹ ب، ۲۵۳-آ، ۲۵۲؛ ولهاوزن، *Das arabische Reich und sein Sturz* چاپ دوم، ۱۶-۳۱۰.

ابوعلی اهوازی، حسن بن علی بن ابراهیم بن یزید ۴۴۶-۳۶۲/۱۰۵۵-۹۷۲). در سال ۳۹۱/۱۰۰۱ هشام رفت و تا آخر عمر آنجا بود. ابوعلی در علم قراءات شهور بود و قرآن را به روایات بسیار قراءت می کرد و کتاب